

تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن

حسینعلی توتی*

احمد دوست‌محمدی**

چکیده

با توجه به اهمیت تحولات اخیر در خاورمیانه، هدف پژوهش حاضر بررسی و تجزیه و تحلیل ظرفیت‌های موجود در بطن این تحولات برای انقلاب اسلامی ایران، در راستای تأثیرگذاری به این تحولات است. پیش از بازشناسی محتوای اندیشه‌ورزی و قدرت نرم‌افزاری ایران در عرصه‌های جهانی، باید به تجزیه و تحلیل این بخش از قدرت نرم ایران در سطح خاورمیانه به ویژه کشور بحرین پرداخت؛ همچنین در جهت بهینه‌سازی فرصت‌های موجود در تحولات اخیر راهبردهایی ارائه شده است. برای پاسخگویی به سؤال اصلی، مجموعه‌ای از مقالات و تحلیل‌های مرتبط، با روش تحلیلی و استقرایی مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، انقلاب بحرین، ج.ا.ایران، راهبرد، قدرت نرم.

مقدمه

جهان عرب شاهد دگرگونی‌هایی است که از دید تاریخی اگر بی‌سابقه نباشد، بی‌گمان کم‌مانند است. رویدادها پیوسته، ژرفا و دامنه بیشتری می‌یابد؛ هرچند دگرگونی‌ها و ناآرامی‌ها را می‌شد پیش‌بینی کرد، ولی نه با این ژرفا و گستردگی. ماهیت ساختار سیاسی، سرکوب شدن آزادی‌های سیاسی در گذر دهه‌ها، نابسامانی زندگی

h.tooti@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۱

*. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای.

** دانشیار دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۰

اقتصادی، اثرپذیری روزافزون دولت‌ها از قدرت‌های بزرگ و ... زمینه‌ساز آشوب‌های کنونی در سرزمین‌های عربی شده است. (دهشیار، ۱۳۸۹: ۴ و ۵)

تحولات جدید سیاسی - امنیتی و ژئوپلیتیک، ساخت قدرت و سیاست در خاورمیانه را به نفع ایران تغییر داده و همین امر، آثار و عواقب منفی بر منافع استراتژیک آمریکا در منطقه، متحدان منطقه‌ای آن در جهان عرب و موقعیت رژیم صهیونیستی داشته است. افزایش نقش و اهمیت تأثیرگذاری ایران در خاورمیانه بعد از وقوع بیداری اسلامی، در درجه اول به افزایش روزافزون اهمیت مسائل خاورمیانه در نظام امنیت بین‌الملل بازمی‌گردد. به همین نسبت و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم‌ترین کشور تأثیرگذار بر مسائل خاورمیانه حائز اهمیت می‌گردد.

در این فضای جدید، کشور ما نیز در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته، به گونه‌ای که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و آن را به صورت کانون جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی درآورده است. این موقعیت نه تنها باعث تأثیرگذاری ایران در روند تحولات جهانی و منطقه‌ای می‌شود، بلکه کارکرد مناطق پیرامونی نیز می‌تواند مسائل ایران را تحت تأثیر قرار دهد. موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه‌ای و کنش و روابط متقابل آن با قطب‌های قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی، همواره مسائل جدیدی را می‌آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه عوامل پویا و متحول سیاسی و علمی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است.

از آنجایی که ایران کشوری تأثیرگذار، قدرتمند و بازیگر توانمندی در خاورمیانه است، کشور ما نمی‌تواند روابط سیاسی خود را بی تفاوت از مجموعه دگرگونی‌های امنیتی و سیاسی در خاورمیانه ساماندهی کند. مجموعه عوامل پیچیده‌ای لزوم توجه دولت‌مردان ایرانی را به پیگیری امور در خاورمیانه فرامی‌خواند. در این پژوهش با تبیین دگرگونی‌های کشور بحرین، با در نظر گرفتن علایق ج.ا.ایران در این تحولات، جایگاهش در روند دگرگونی‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل راهبردهای سیاست خارجی ایران به عنوان قدرت اثرگذار در این تحولات، موضوع بررسی‌های بیشتر این مقاله است.

چارچوب نظری

سر رشته سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال کشور بحرین به زنجیره بی‌شماری از عناصر تأثیرگذار همچون تأثیر آموزه‌ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی و آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌ها نسبت به دوستان و دشمنان و محیط ذهنی و پیرامونی، پیوسته است که به دلیل تعدد و درهم تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هر یک از آنها کاری دشوار است. اهمیت و جایگاه قدرت نرم با ویژگی‌ها و مختصات آن از این دست، از آنجاست که می‌توان چگونگی تعریف علایق ملی را که اساس سیاست خارجی یک کشور است، درک کرد. (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

در گفتمان ملی و فراملی نظام جمهوری اسلامی، چهار عامل مؤثر وجود دارد که روابط مختلف بر پایه آنها شکل گرفته که این عوامل عبارت است از: عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل دینی و عوامل امنیتی - نظامی که در سطح رسمی و از دیدگاه روابط بین‌الملل، تعیین کننده سیاست خارجی و در سطح غیررسمی با بهره‌برداری از عوامل فراتر از دولتی، تشکیل دهنده دیپلماسی عمومی نظام است. گرچه عوامل مزبور در ساختارهای متفاوت همپوشانی‌های لازم را داراست، ظهور هر عامل بستگی به درجه و شدت روابطی دارد که بر پایه آن عامل یا عوامل دیگر با یکدیگر دارند؛ در واقع ایران اسلامی با رهیافت قدرت نرم، شدیدترین ضربه به منافع ایالات متحده در بحرین محسوب می‌شود و این انقلاب در درجه اول باعث بالفعل شدن بسیاری از اعتراضات اجتماعی در این کشور شده است. (ولی‌پور و زرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۶)

قدرت نرم ایران در خاورمیانه

قدرت نرم بر مبنای شکل دادن به ترجیح‌ها و اولویت‌ها، مقوله‌های نامحسوس، مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع و اخلاقی تلقی می‌گردند، مرتبط است. ماهیت قدرت نرم، ساخت اقله‌ای مبتنی بر ارتباط متقابل است. در بررسی شاخص‌های قدرت به طور کلی و قدرت نرم به طور خاص، می‌توان بین مؤلفه‌های مادی و معنوی تفکیک و تمایز قائل شد. موضوع‌هایی مانند ایدئولوژی، رهبری، روحیه ملی، مشروعیت سیاسی، فرهنگ، نفوذ جهانی، ارزش‌ها، نوع حکومت، نوع ارتباط حکومت، استعدادهای علمی، اخلاق اجتماعی، اطلاعات و آگاهی‌ها، خود رهبری و روحیه ملی در زمره نشانه‌های قدرت نرم کشورها در رفتار منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود؛ افزون بر این، برخی عوامل سیاسی از جمله ثبات سیاسی، نوع رژیم، اعتبار ملی و رهبری از مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم به شمار می‌آیند. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۳۵ و ۱۳۶)

قدرت نرم، ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر انواع قدرت متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. قدرت نرم یک نوع رابطه است و بر نوعی از ذهنیت تکیه دارد و برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت‌هاست؛ باورها، اعتقادات، مشروعیت و اعتبار دارنده قدرت نرم در اطاعت از او تأثیر زیادی دارد؛
۲. قدرت سخت و نرم هر دو به دنبال متقاعد کردن رقیب هستند؛ اما این کار در قدرت نرم متکی بر قدرت اقناع و جاذبه می‌باشد؛

۳. قدرت نرم امری غیرمحسوس است. (ولی‌پور و زرومی، ۱۳۸۳: ۳۷)

اگرچه سابقه طرح نظریه قدرت نرم به سال‌های پس از فروپاشی نظام دوقطبی باز می‌گردد، اما این بُعد از قدرت، از دیرباز مورد توجه رهبران سیاسی و دولت‌ها بوده است؛ به طوری که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی علیه‌السلام به عنوان نهضتی الهی، فراگیر و مبتنی بر مدار فطری پاک بشری، سال‌ها پیش توانست اهمیت بعد نرم افزاری قدرت را به منصفه ظهور برساند و به عنوان انقلابی در ارزش‌ها و

هنجارها به فرهنگ‌سازی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت ورزد.

امام خمینی علیه السلام به درستی معتقد بود که دولت‌های اسلامی باید در همه ابعاد مستقل باشند و از سلطه دیگر قدرت‌ها خارج گردند. بنابراین، از آنجا که قدرت نرم بیش از آنکه دولت‌ها را هدف قرار دهد، مردم را نشانه می‌گیرد، امام علیه السلام نیز برای رهایی کشورهای مسلمان از یوغ استعمار شرق و غرب، بیشترین توجه خود را به مردم ستمدیده کشورهای مسلمان معطوف داشت و بدین ترتیب، ارتباط با ملت‌های مسلمان منطقه، اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد.

مؤلفه‌های راهبرد قدرت نرم ایران در بحرین

بی تردید در عصر جدید، دیدگاه مردمان دیگر کشورها، باعث تضعیف و یا تقویت موقعیت قدرت‌ها در روابط بین‌الملل خواهد شد. در این میان، نظر کشورهای همسایه و نوع نگاه آنها به سیاست‌ها و مواضع قدرت‌ها، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از سایر کشورهاست. قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست ریشه دارد. حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم‌افزاری قدرت خود در سایر کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هریک از کشورهای هدف است.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هفتاد و پنج میلیون نفر مسلمان (۹۸٪) که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی می‌باشند، یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و تأثیرگذار اسلامی است. در این میان، کشور بحرین، بیشترین قرابت مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست. قریب به هفتاد درصد آنها نیز دارای مذهب تشیع می‌باشند که بیشترین هم‌گرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپلیتیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد. (National Security, 1957) علاوه بر اسلام و مذهب تشیع، زبان فارسی نیز با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده است، ولی هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. (وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷)

همچنین جمهوری اسلامی ایران دارای نمایندگی فرهنگی نیز در کشور بحرین است که وظیفه مهم ارتباط با افکار عمومی و نخبگان جوامع و انتقال ارزش‌های اسلامی - ملی را بر عهده دارند. در جمهوری اسلامی ایران شش روزنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی به منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان دیگر کشورها و یا افراد مقیم در ایران با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایران انتشار می‌یابد. در این میان، روزنامه‌های *الوفاق* و *کیهان عربی*، مخاطبان خود را در کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه و آفریقا جستجو می‌کند. همچنین سیمای جمهوری اسلامی ایران در بُعد برون‌مرزی دارای پنج شبکه مسلمانان است و سایر مخاطبان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را پوشش می‌دهد. شبکه العالم،

شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته اخبار به زبان عربی در خاورمیانه است که در بهمن ۱۳۸۲ افتتاح شد. کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، عراق، مصر، موریتانی، الجزایر، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین مخاطبان اصلی این شبکه محسوب می‌شوند. (سایت خبری العالم، ۱۳۸۴)

بررسی وضعیت اعمال مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در این کشور نشان می‌دهد که عوامل طبیعی و یا غیربرنامه‌ای، همچون مذهب اسلام، تشیع، زبان فارسی و مهاجران، بیشترین سهم از منابع نرم‌افزاری قدرت جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، عوامل نیازمند برنامه‌ریزی و راهبری همچون تأسیس و تقویت شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی به زبان عربی، جذب گردشگر، همکاری‌های علمی و دانشگاهی و ایجاد مؤسسات ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی در حاشیه قرار گرفته‌اند.

چنان‌که پیداست، توجه به ریشه‌های تاریخی، ملی و فرهنگی ایران در منطقه در کنار تشابهات مذهبی به عنوان معیار ایجاد روابط حسنه با کشورهای خاورمیانه و استفاده صحیح و بهینه از قابلیت‌های مذهبی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در مناسبات دوجانبه و یا چندجانبه، گسترش حوزه نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به‌ویژه بحرین را به همراه خواهد داشت.

در مجموع اینکه شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در بحرین بعد از وقوع بیداری اسلامی رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر در این کشور است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان افکار عمومی را فراهم ساخته است. با آگاهی از این واقعیت‌ها، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای وقوع تحولات انقلابی بحرین، تلاش داشته با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از بحرین جدید به عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. این سیاست سعی دارد با کم رنگ کردن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند. (مظفری، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

در واقع، ایران از این طریق درصدد برآمده تا از مؤلفه‌های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات بحرین به طور اخص و معادلات منطقه به طور اعم استفاده کند و در این راستا تلاش کرد مردم این کشور به حقوق ضایع شده خود دست یابند. علل و ریشه‌های نفوذ معنوی و نرم‌افزاری ایران در بحرین واضح است.

اهمیت بحرین در معادله‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

نوآم چامسکی اهمیت بحرین را برخاسته از دو عامل می‌داند:

۱. بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ اما عدم برخوردار بودن بحرین از یک سیستم دفاعی نیرومند و احساس ضعف در این مورد، بحرین را متمایل به قدرت‌های دیگر، به خصوص آمریکا و عربستان ساخته است.

۲. هفتاد درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند. در بحرین، «جمعیت الوفاق» بزرگترین گروه شیعه مخالف است که در تحولات اخیر، با توجه به تبعیضات اعمال شده در قبال شیعیان، تظاهراتی را در شمال این کشور با هدف انحلال پارلمان، لغو انتخابات میان‌دوره‌ای و ایجاد راهکار سیاسی برای حل بحران کنونی در کشور و انجام اصلاحات سیاسی و قانون اساسی و آزادی بازداشت شدگان سیاسی انجام داد. (چامسکی، ۱۳۹۰/۳/۳۰)

۳. وضعیت امنیتی بحرین: از دهه ۱۹۷۰ تا تحولات اخیر بحرین، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور علاوه بر تلاش برای رفع استبداد داخلی و کسب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، یک وجهه بارز به خود گرفت که عبارت بود از موج اسلام‌گرایی و حرکت به سوی ارزش‌های اسلامی؛ نفوذ افکار اصلاح طلبی اسلامی از مصر، عراق و ایران به این کشور و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی این فرصت را به مبارزان مسلمان داد تا به طور جدی و فعال، خواهان اجرای اصول و ارزش‌های اسلامی در جامعه خود باشند و این امر که ذاتاً در تعارض با اصول و اهداف حکومت بحرین از یک طرف، و از طرف دیگر مخالف منافع کشورهای غربی به خصوص آمریکا بود، جنبش‌های اسلامی مهمی را در پی داشت که اهمیت این کشور را دوچندان کرد. با توجه به موقعیت و اهمیت ویژه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک بحرین در سطح خاورمیانه و جهان، این کشور از دیرباز شاهد چالش قدرت و رقابت مداوم قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. (عزتی، ۱۳۸۸: ۲۷)

بیداری اسلامی در بحرین

نوپایی کشور بحرین، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی، نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای این کشور فراهم آورده است؛ به همین دلیل، موج‌های کوتاه بحران‌زا باعث تنش و ناپایداری درونی آن می‌شود. (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۱۹۵) تظاهرات ضد دولتی چندین کشور در خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۱۱ گریبان‌گیر بحرین نیز شد. معترضان، با الهام از رویدادهای اخیر در مصر و تونس، تظاهرات خود را در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز کردند که این تنش در میان توده مردمی با طبقه حاکم در جریان است. جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه همان سال به اوج خود رسید و بیش از یکصد هزار معترض در میدان لؤلؤ گردهم آمدند. دولت حاکم بحرین نیز اجرای تاکتیک‌های سرکوب‌گرانه علیه اپوزیسیون، از جمله استفاده از زور، بازداشت‌های دسته‌جمعی و شکنجه را در دستور کار خود قرار داد. اعلام حالت فوق‌العاده، شکاف فزاینده دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف، ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی - امنیتی داخلی و خارجی بر آن تأثیر می‌گذارند. (www.infoplease.com: 2012/1/22)

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بروز بیداری اسلامی در بحرین عبارتند از:

۱. وجود حکومت استبدادی و غیر دموکراتیک: براساس قانون اساسی که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، پادشاه قادر است که نخست وزیر را خود انتخاب کند و بر فعالیت او نظارت داشته باشد و نخست وزیر نیز متقابلاً به او پاسخگو است و هیچ مسئولیتی در قبال نهاد دیگری ندارد. از سوی دیگر، در قانون اساسی بحرین، حکومت موروثی است و مردم هیچ نقشی در انتخاب پادشاه ندارند.

۲. وابستگی دولت بحرین به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های همسو با آنان و بی‌توجهی به افکار عمومی در ایجاد و اجرای سیاست خارجی: با نگاهی به سیاست‌های بحرین در قبال تحولات منطقه، به خوبی مشخص می‌شود که بحرین به جای اتخاذ تصمیمات مستقل و پذیرش یک نقش فعال در تحولات منطقه، همواره از سیاست‌های ایالات متحده و سایر نیروهای فرامنطقه‌ای تبعیت و پشتیبانی کرده است. (www.bahrainembassy.org, 2008/1/20)

۳. وجود تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی: در بحرین قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار اقلیت است و در زمینه توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی، اجحاف زیادی بر شیعیان بحرین روا داشته شده است و این گروه که دارای اکثریت در کشور خود می‌باشند، همواره در معرض تبعیض‌های گوناگون و به‌ویژه تبعیض مذهبی بوده‌اند. (Ibish, 2011: 41)

۴. انتخابات مجلس (پیش‌زمینه شکل‌گیری اعتراضات بحرین): یکی از دلایلی که نقش مهمی در ظهور و بروز خیزش مردم بحرین در مقابل دولت این کشور داشت، به زمان پیش و پس از انتخابات مجلس در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰ برمی‌گردد؛ نتایج این انتخابات نشان داد که مردم عمدتاً به کاندیداهای عملگرا و مستقل از دولت رأی داده‌اند که وعده پیگیری مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به مردم داده بودند. بنابراین، مجلس این دوره شاهد حضور نمایندگانی بود که عمدتاً منعکس‌کننده خواست‌ها و علایق مردم بودند، نه دولت بحرین و طبیعی است که این امر برای دولت بحرین بسیار نگران‌کننده باشد. (بهرامی و خدادادی، ۱۳۸۹)

ج.۱. ایران و تحولات انقلابی بحرین

با آغاز روند بیداری اسلامی در بحرین از فوریه ۲۰۱۱، شرایط دگرگون شد و از آنجایی که هر تغییر و تحولی در منطقه خلیج فارس تأثیر پایداری در سیاست داخلی (ثبات و امنیت اقتصادی، سیاسی و نظامی)، منطقه‌ای (گسترش یا محدود شدن حوزه نفوذ ایران در منطقه پیرامونی بر اساس شکل‌گیری الگوهای دوستی و دشمنی جدید مثل نزدیکی بیشتر ایران و عراق و در آینده بحرین) و فرامنطقه‌ای (کاهش یافتن تهدیدات فرامنطقه‌ای به علت محدود شدن دسترسی دشمنان ایران مثل آمریکا و متحدانش به پایگاه‌های نظامی به واسطه از دست دادن هم پیمانانش در منطقه) خواهد داشت. از این‌روی حوادث بحرین هم از بعد ملی و هم از بعد ارزشی - ایدئولوژیک برای ایران حائز اهمیت زیادی است.

سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در بحرین می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت شیعی و گسترش

مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدود شدن دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌های منطقه خواهد شد. با توجه به شرایط امروز جهان اسلام خصوصاً بحرین، انتظار می‌رود موج سوم بیداری اسلامی (تحولات اخیر خاورمیانه) با پشتوانه موج دوم بیداری اسلامی (انقلاب اسلامی ایران)، به شکل‌گیری جلوه جدیدی از تمدن اسلامی با احیای این تمدن در قالب‌های نو و متناسب با شرایط زمانی و مکانی موجود بینجامد. آنچنان که پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی نه تنها در تاریخ ملت مسلمان ایران بود؛ بلکه توانست ایده‌های جدید با مؤلفه‌ها و آرمان‌های نوین برای جهانیان محصور در خرد بی‌بنیاد سودانگاران عرضه کند.

راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال انقلاب بحرین

معمای جدید امنیتی در منطقه به دو مؤلفه پیروزی اسلام‌گرایان متعادل از یک‌سو و روند انتقال سیاسی - امنیتی منطقه و چالش‌های ناشی از شکل‌گیری نظم جدید از سوی دیگر بستگی خواهد داشت. در واقع، هرچند پیروزی اسلام‌گرایان موجب فرصت برای ایران خواهد بود، لیکن چالش‌هایی اساسی در قالب‌های ژئوپولیتیک قومی، تقویت افراط‌گرایی سنی، جنگ داخلی و مذهبی و گسترش بی‌ثباتی در منطقه را به دنبال خواهد داشت. بیداری اسلامی در بحرین با پیچیدگی‌های که دارد، سیاست خارجی ایران را در منطقه تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به تغییرات جدید ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک، وضعیت منطقه از روند انتقال به نظم جدید سیاسی - امنیتی در خاورمیانه حکایت دارد که تحمیل الزاماتی اساسی را بر سیاست خارجی ایران در پی خواهد داشت. در چنین فضایی، انتخاب رویکردی قابل اعتنا در جهت تأمین امنیت و افزایش نقش منطقه‌ای ضرورتی اساسی خواهد داشت. (جهان‌بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

۱. سیاست خارجی ایدئولوژیک و عمل‌گرایانه

با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت ایران، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره متأثر از دو مؤلفه مهم واقعیات ژئوپولیتیک و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک بوده است (Menashri, 2007) براساس رویکرد قدرت نرم، در جهت افزایش منافع ملی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بیداری اسلامی ابزاری مفید، مؤثر و نافذ می‌باشد. این رویه بایستی با درک مقتضیات زمان و مکان خاورمیانه، استراتژی‌های بلنددانه راهبردی در عرصه سیاست خارجی را مدنظر داشته و فارغ از احساسات زودگذر سعی در افزایش نفوذ، تقویت دوستان و گروه‌های همسو گام برداشته و با عدم اتخاذ شیوه تهاجمی، تعصبات مخالفان منطقه‌ای را شعله‌ور نسازد.

واقعیت‌های ژئوپولیتیکی، ویژگی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی ایران به گونه‌ای است که امنیت آن را به مسائل منطقه‌ای گره می‌زند. فرایند نوظهور بیداری اسلامی، امنیت ملی ایران را به منطقه وابستگی خاص

داده است. برای افزایش فرصت‌ها و پیشگیری از تهدیدات آینده، ایران می‌بایستی خواهان افزایش نقش و حضور فعال در نظام سیاسی - امنیتی و نیز فعالیت‌های اقتصادی - فرهنگی در منطقه خاورمیانه باشد. ایران با دستیابی به نقش منطقه‌ای بیشتر و حضور و بهره‌گیری از نهضت‌های همسو در جهت مطالبات مشترک و منطقه‌ای می‌تواند در دسترسی به نقاط هدف سیاست خارجی خود محکم‌تر گام بردارد. به طور مثال، ایران با حضور سیاسی فعال در دوران انتقالی و شکل‌گیری نظم جدید در خاورمیانه تلاش می‌کند تا ضمن حمایت از گروه‌های سیاسی با سیاست‌های هم‌جهت، از تهدیدات امنیتی جلوگیری کند.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی براساس آموزه‌های اسلامی و دینی شکل گرفته و قدرت‌یافتن مسلمانان در کشورهای منطقه، در بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی خواهد داشت. (قربانی و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۳ - ۸۱) در واقع سیاست ایران در بحرین متفاوت از سایر نقاط جهان عرب و مبتنی بر ترکیبی از مسائل مربوط به منافع و ارزش‌ها است؛ از لحاظ منافع، بحرین در حوزه سیاسی - امنیتی ایران در منطقه حساس خلیج فارس قرار دارد. حضور نیروهای سعودی در بحرین و حمایت آمریکا از این سیاست، با هدف تسلط و کنترل جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین و کل منطقه خلیج فارس، صورت گرفته است.

۲. رویکرد استراتژیک و دفاع فعال

در شرایط فعلی، ایران در چارچوب دفاع فعال منطقه‌ای بایستی استراتژی خود را در مقابل بیداری اسلامی در بحرین تنظیم کند. در این وضعیت، نه تنها ایران به دنبال یک هژمون منطقه‌ای و سیاست تهاجمی نیست، بلکه هدف از فعالیت همسو با گروه‌های انقلابی در عرصه بیداری اسلامی را جلوگیری از تهدیدات امنیتی علیه نهضت‌های اسلام‌گرا می‌داند. در واقع، رویکرد استراتژیک در کنار ابزارهای ایدئولوژیک در چارچوب ژئوپولیتیک منطقه‌ای به شناسایی وضعیت توان خودی، محذورات بیرونی و سرانجام اتخاذ تصمیم توجه دارد.

سیاست خارجی ایران با درک فضای پیرامونی می‌بایستی ضمن ارزیابی تحولات ناشی از بیداری اسلامی به طبقه‌بندی آنها پرداخته و سرانجام در اعلام مواضع و رویه‌های اعمالی فعالیت کند تا ضمن پایبندی به مبانی ایدئولوژیک، امنیت ملی نیز صیانت گردد.

حلقه‌های امنیتی ایران در برابر بیداری اسلامی

چارچوب سیاست خارجی واقع‌گرا و تدافعی ایران دارای دو حلقه امنیتی فوری و غیرفوری است. دورن این حلقه‌های امنیتی درجه تأثیرگذاری و استفاده از عناصر ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک در جهت‌دهی سیاست خارجی ایران متفاوت است.

حلقه فوری شامل محیط فوری و حیاتی‌ترین نقاط امنیتی ایران محسوب می‌شوند. تحولات بحرین درون این دایره واقع شده است. در حلقه اول، خلیج فارس به عنوان منطقه حساس ترانزیت نفت، انرژی و حضور

دشمن استراتژیک ایران، یعنی آمریکا در آن معنای خاصی پیدا می‌کند. در این حلقه، استفاده از ابزارهای ایدئولوژیک و استراتژیک توأم در جهت افزایش امنیت ملی استفاده می‌گردد. بر اساس همین تحلیل ایدئولوژیک است که حمایت از انقلاب مردم بحرین قابل اعتنا است. روند حمایت ایران از حرکت‌های اصلاح‌گرایانه مردم هم‌مسلك شرق عربستان نیز در همین وضعیت تحلیل می‌گردد که البته منافع استراتژیک فراوانی در صورت توفیق نصیب ایران خواهند کرد. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۳۸ - ۱۳۶)

ایران ضمن حمایت از قوای انقلابی از به قدرت رسیدن آنها خرسند است تا ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای خود، رژیم صهیونیستی مهم‌ترین دشمن استراتژیک خود را با محدودیت‌های جدی روبه‌رو سازد. همسایگی مصر با رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانی با آن از مواردی است که بحرین را در سیاست خارجی ایران برجسته می‌کند.

۳. افزایش عمق راهبردی ایران

تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود. برای تبیین بهتر این امر، می‌توان از مفهوم عمق راهبردی استفاده کرد.

عمق راهبردی، مفهومی است که اساساً به حوزه مطالعه‌های امنیتی و استراتژیک مربوط است و به توان بازدارندگی یک کشور با توجه به گستره نفوذ آن اشاره دارد. این مفهوم به ترکیبی از عوامل عینی و ژئوپولیتیک و ذهنی و ایدئولوژیک اشاره دارد که باعث می‌شود رقیبان و دشمنان یک کشور، عملاً از آسیب‌رسانی جدی به امنیت و منافع آن صرف نظر کنند. (محمدی، ۱۳۸۷)

جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن برخورداری از مزیت‌های فراوان سرزمینی و جغرافیایی که در ترکیب با عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمق راهبردی آن را تضمین می‌کنند، اشاعه ارزش‌ها و گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در منطقه و جهان را در سیاست خارجی خود با جدیت پیگیری می‌کند.

از این‌رو، مجموعه هزینه‌هایی که جمهوری اسلامی ایران براساس اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی خود در حوزه جهان اسلام می‌پردازد، ضمن انطباق با آرمان‌های آن، تقویت‌کننده عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. نمونه این امر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، حمایت از مردم مظلوم بحرین است که ضمن انطباق با مصالح امت اسلامی، از طریق گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران، تأمین‌کننده امنیت و منافع ملی مردم آن کشور نیز هست.

با این همه، افزایش و گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی را باید نتیجه و دستاورد دیپلماسی عمومی ایران دانست، نه هدف و غایت آن. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۱: ۴۱)

۴. حمایت معنوی از شیعیان بحرین

از آنجا که بحرین یک کشور شیعی است، ایران هم به طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هم نوعان و هم مذہبان خود در منطقه حساس است. از آغاز بحران، گروه‌های مختلف داخلی و به طور کلی مردم عادی نیز نوعی حس همبستگی و حمایت از هم‌نوعان نسبت به سرکوب مردم در بحرین داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسئله بحرین، در سطح افکار عمومی ایران بسیار با اهمیت است (دهشیری و نجاتی آرانی، ۱۳۹۱: ۳۰۷ - ۳۰۱) همچنین با توجه به اینکه عربستان سعودی با ارسال نیروهای نظامی خود به بحرین و سرکوب مخالفان شیعی، این موضوع را به یک موضوع فرقه‌ای مربوط به رقابت «شیعه و سنی» تبدیل کرده است، نه تنها واکنش ملت ایران بلکه ملت‌های شیعی دیگر در عراق، لبنان و غیره را در پی داشته و به مسائل فرقه‌ای که یکی از خطرناک‌ترین شکل منازعه در خاورمیانه و منبع اصلی بی‌ثباتی برای امنیت منطقه و امنیت جهانی است، دامن زده است.

نگاه ایران به شیعیان مناطق شرقی عربستان نیز نگاهی مبتنی بر حمایت و هم‌زمان حفظ تعادل در روابط با دولت این کشور، بوده است. دلیل اصلی این امر در درجه اول، پرهیز ایران از وقوع جنگ فرقه‌ای بین شیعه و سنی است. ایران بسیار محتاط است که حضور ارزشی در تحولات منطقه بهانه لازم را به دست رژیم‌های منطقه ندهد که جنبش‌های مردمی را به تلاش برای براندازی حکومت با حمایت ایران نسبت دهند. ایران به دنبال ایجاد یک حکومت شیعی در بحرین نیست و تقاضاهای مردم شیعی عربستان را هم در چارچوب اصلاحات درون حکومت فعلی در نظر می‌گیرد. (برزگر، ۱۳۹۰/۲/۲۴)

از دید دول مخالف، در حال حاضر تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و از منظر آنها یک هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده که می‌تواند تحت هدایت ج.ا.ایران قرار گیرد. (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۸) از نگاه آنان، ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی‌مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به کار گیرد (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۷)

سعودی‌ها نیز در تنش‌های مذهبی بحرین از خیزش شیعیان در منطقه خلیج فارس بیم دارند. با توجه به اینکه تعارض مذهبی بین شیعه و سنی در بحرین یکی از دلایل بروز اعتراضات اخیر مردم شیعه‌مذهب علیه دولت آل‌خلیفه سنی‌مذهب است، یکی از راهبردهای ج.ا.ایران به مانند گذشته باید بر این مبنا باشد که حمایت معنوی خویش را از شیعیان این کشور ادامه دهد و همچنین مردم مظلوم بحرین نیز با پیروی از الگوی انقلاب اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری با اعتراض به نظام حاکم به حقوقشان دست یابند.

۵. ایجاد دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه

ج.ا.ایران برای استفاده بهینه از فرصت‌ها و از بین بردن چالش‌ها، برنامه‌ها و دیپلماسی راهبردی و

هوشمندان‌های در راستای این امر مهم (الگوپذیری جنبش بحرین از الگوی انقلاب اسلامی ایران)، به این شرح در پیش گرفته است:

- برگزاری مداوم کنفرانس‌های تخصصی داخلی و بین‌المللی با حضور نخبگان خارجی و داخلی (در قالب برنامه‌ها)

برگزاری این کنفرانس‌ها، از دو جهت می‌تواند در استفاده بهینه از ظرفیت‌ها، مفید باشد؛ اولاً شکل‌گیری چنین کنفرانس‌هایی، اهمیت این تحولات را برای ایران، در نظام بین‌الملل و به‌ویژه افکار عمومی جهان اسلام و انقلابیان، به اثبات می‌رساند. در مرحله بعد، حضور نخبگان و رهبران جنبش‌ها در این کنفرانس‌ها، بر اندیشه آنها تأثیرگذار است.

- حمایت‌های معنوی و در صورت لزوم مادی، از جریان‌های انقلابی (در قالب دیپلماسی راهبردی) جمهوری اسلامی باید مشروعیت اهداف و حقوق شهروندی انقلابیان را تأیید کند و در صورت لزوم، از این انقلاب‌ها حمایت‌های مادی (نه نظامی) به عمل آورد. حمایت‌های معنوی ایران از این انقلاب‌ها، می‌تواند موجب ظرفیت‌سازی در راستای الگودهی انقلاب اسلامی به این انقلاب‌ها شود؛ زیرا این حمایت‌ها، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را در افکار عمومی انقلابیان، تثبیت خواهد کرد. البته جمهوری اسلامی ایران در این زمینه حمایت‌های معنوی زیادی انجام داده است، باین‌حال این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- مدیریت پتانسیل رسانه‌ای در راستای ارائه چهره مطلوب دینی - مردمی انقلاب ایران (در قالب برنامه‌ها و دیپلماسی راهبردی و هوشمندان)

ج.ا. ایران باید با راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در سطح جهانی و منطقه‌ای، به تفسیر این تحولات در راستای بیداری اسلامی بپردازد. تحقق این امر می‌تواند به استفاده بهینه جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های موجود جریان‌های اخیر، منجر شود.

- استفاده بهینه از گفتمان انقلاب اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی در راستای جهت دهی به جریان‌های انقلابی (در قالب دیپلماسی راهبردی و هوشمندان)

گفتمان انقلاب اسلامی ایران در افکار عمومی جهان، جهان اسلام و منطقه، اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به اهداف و زمینه‌های انقلاب‌های اخیر که همسو با انقلاب اسلامی بوده است، جمهوری اسلامی ایران باید بر گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر، مانور ویژه‌ای دهد. رویکرد دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌های مرتبط با سیاست خارجی، از جمله شورای عالی امنیت ملی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت امور خارجه و مجلس، در زمینه تحولات اخیر، تأثیر ویژه‌ای در استفاده بهینه از ظرفیت‌ها دارد. این سازمان‌ها باید با توجه به ظرفیت‌ها، از محورهای گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی (دین‌محوری، عدالت‌محوری و سلطه‌ستیزی) به عنوان یک ظرفیت استفاده کنند. (ابراهیمی و ستوده، ۱۳۹۱: ۱۳۲ - ۱۲۸)

در مجموع می‌توان گفت تحولات بحرین در راستای منافع و دیپلماسی سیاست خارجی ایران است و بازبینی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبین این ادعا می‌باشد. (سجادپور، ۱۳۹۰: ۵) پیش‌بینی می‌شود دولت جدیدی که در اثر انقلاب‌های مردمی تشکیل خواهند شد، به طور طبیعی به برقراری ارتباط مطلوب‌تر با ایران گرایش خواهند داشت. همچنین عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران، اکنون به طور واقعی درگیر حوادث بحرین شده است و خود را در محاصره جنبش‌های ضد دیکتاتوری ملت‌های منطقه می‌یابد. از همین رو، این کشور که سابقه دیرینه در دشمنی ایران و خصمانه‌ترین مواضع علیه این کشور را دارد، اخیراً خواستار مذاکره با ایران در خصوص حل بحران در بحرین شده است. (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۷)

نتیجه

برخورداری از تمدنی غنی و یک ایدئولوژی فراگیر، سوابق درخشان فرهنگی، هنر برتر، سیاست‌های صلح‌جویانه، برنامه‌های بشردوستانه، کمک به کشورهای توسعه‌نیافته، داشتن رهبران بزرگ، پیشرفت همه‌جانبه اقتصادی و صنعتی، پیشرفت در علوم و فناوری و البته قدرت نظامی مطلوب و برنامه‌هایی برای توسعه حقوق بشر و محیط زیست، همگی از جمله عواملی است که امروزه باعث افزایش قدرت نرم کشورها می‌شود. در این راستا پیروزی انقلاب اسلامی و مولود آن یعنی جمهوری اسلامی ایران را نیز باید مبتنی بر کاربرد قدرت نرم دانست. در بعد منطقه‌ای، راهبرد قدرت نرم ایران در قبال کشورهای همسایه تاکنون به طور عمده مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی بوده است. به همین سبب، هم‌گرایی اسلامی و شیعی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی ایران، به مثابه عوامل طبیعی افزایش قدرت ایران، بیشترین نقش را در منطقه ایفا می‌کند.

ماهیت رقابتی و پرتحول‌بیداری اسلامی به گونه‌ای است که همه بازیگران اصلی منطقه سعی دارند نظم جدیدی را براساس منافع و امنیت ملی خود تقویت کنند. ایران نیز در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های امنیتی از این امر مستثنی نیست. پس از تحولات انقلابی بحرین، زمینه جدیدی با توجه به تحولات ژئوپلیتیک در شکل و ساخت قدرت در این کشور در حال شکل‌گیری است. در یک سو ایالات متحده و متحدان قدیمی‌اش در منطقه (عربستان و اسرائیل) هستند که به نوعی خواهان حفظ توازن سنتی با تسلط کامل بر جریان‌های سیاسی - امنیتی در بحرین هستند و در سوی دیگر ج.ا. ایران قرار دارد که الزاماً خواهان به هم زدن وضع موجود نیست؛ اما با افزایش پایه‌های قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه‌ای خواهان ایفای نقش بیشتری با رویکرد منطقه‌ای و از زاویه حفظ منافع ملی خود است. ایران که در طول تاریخ بر این کشور جزیره‌ای حکمرانی کرده است و تشابهات مذهبی با اکثریت مردم بحرین را دارد، نمی‌تواند فقط نظاره‌گر این تحولات باشد.

اکنون سیاست خارجی ج.ا. ایران میانه یک فرصت طلایی و در عین حال یک تهدید جدید برای منافع

و امنیت خود قرار گرفته است. ایران با تقویت حس انقلابی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، مخالف هرگونه دخالت و حضور قدرت مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در بحرین است و با برگزاری مانورهای نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز بر ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان بحرین به وضعیت مطلوب‌تر و شرکت دادن شیعیان در اداره امور کشور بحرین تأکید دارد.

با قرار دادن تحولات بحرین در حلقه فوری امنیتی، حمایت همه‌جانبه از مطالبات انقلابی مردم این کشورها مدنظر بوده و تلاش برای حداقل‌سازی نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای و جریان‌ات سلفی در این فرایند ضروری است. حمایت ایدئولوژیک با چشم‌انداز دوربردی از مسائل استراتژیک می‌تواند راهنمای خوبی در جلوگیری از تهدیدات احتمالی امنیتی برای امنیت و منافع ملی ایران باشد.

با توجه به این مسائل پیشنهاد می‌شود:

۱. جمهوری اسلامی ایران از موج بیداری اسلامی و دموکراسی‌خواهی مردم بحرین حمایت کند؛ چراکه هرگونه حکومت مبتنی بر دموکراسی عددی می‌تواند به قدرت‌یابی شیعیان بحرین منجر شود؛
۲. جمهوری اسلامی ایران باید با سیاست‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی غرب و کشورهای عربی مقابله کند. از این‌روی نباید بگذارد که منازعات و رقابت‌های منطقه‌ای با رنگ و بوی قومی (ایرانی - عربی) و مذهبی (شیعه - سنی) سال‌های دهه ۱۹۸۰ تکرار شود؛
۳. جمهوری اسلامی ایران همچنین با فعالیت‌های رسانه‌ای مناسب موضع و استانداردسازی دوگانه غرب به‌ویژه ایالات متحده را در برخورد با تحولات منطقه‌ای برای مردم منطقه روشن و آشکار کند؛
۴. ج. ا. ایران باید با سیاست خارجی مثبت و فعال، این مسئله را به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بفهماند که سیستم امنیتی این شورا بدون مشارکت ایران و عراق معیوب و بی‌محتواست؛
۵. جمهوری اسلامی ایران همچنین با استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی باید این نکته را برای مردم کشورهای حوزه خلیج فارس مشخص کند که ماهیت ضدایرانی شورای همکاری خلیج فارس که با حمایت آمریکا و رهبری عربستان سعودی تشکیل شده است، دیگر کارآمد نیست؛
۶. جمهوری اسلامی ایران باید با برقراری ارتباط با نخبگان سیاسی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مفهوم جدیدی از امنیت ارائه دهد؛ چراکه دیدگاه تنگ‌نظرانه واقع‌گرایان و تأکید بر بعد نظامی امنیت و غفلت از دیگر جنبه‌های آن، چیزی جز تنش و جنگ به همراه ندارد. بدین ترتیب باید تلاش شود به هر شیوه ممکن، موضوعات از حالت امنیتی بودن خارج شوند و به حوزه‌های دیگر انتقال یابند. سیاست موفق آن است که بتواند موضوعات را از فضای امنیتی خارج و به فضای سیاسی وارد کند تا بتوان باب مذاکرات و دیپلماسی را گشود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرروز و علی اصغر ستوده، ۱۳۹۱، «امکان‌سنجی الگودهی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌های دینی - مردمی اخیر در خاورمیانه»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۲. اخباری، محمد و محمدحسن نامی، ۱۳۸۸، *جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۶، «سازنده‌انگاری، چهارچوب تئوریک برای فهم سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، سال اول، شماره اول*.
۴. انصاری، مرتضی، ۱۳۷۵، «امنیت خلیج فارس و بحران‌سازی در منطقه»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶.
۵. برزگر، کیهان، ۱۳۹۰/۲/۲۴، «ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزش‌ها»، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۴/۲۱، ر.ک به: <http://www.isrjournals.ir/fa/essay/47-essay-farsi191>
۶. بوزان، باری و الی ویور، ۱۳۸۸، *مناطق و قدرت: ساختار امنیت بین‌الملل*، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. بهرامی، قدرت‌الله و محمداسماعیل خدادادی، ۱۳۸۹، *جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت.
۸. بی‌نا، ۱۳۸۴، «معرفی شبکه العالم»، قابل دسترس در: <http://www.alalam.ir/farsi/service/about-us.htm>
۹. بی‌نا، ۱۳۸۶، ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس - با تأکید بر شیعیان، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۰. بی‌نا، ۱۳۹۰، «شیعیان بحرین خواستار انحلال پارلمان شدند»، *روزنامه کیهان*، شماره ۲۰/۶/۲۰، ۲۰۰۲۰.
۱۱. پوراحمدی، حسین و جمال جمالی، ۱۳۸۸، «طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها»، *فصلنامه شیعه شناسی*، شماره ۲۶.
۱۲. جکسون، رابرت و گنورگ سورنسون، ۱۳۸۵، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان و احمد تقی‌زاده و حسن سعیدی کلاهی، تهران، انتشارات میزان.
۱۳. جهان‌بین، فرزاد و فتح‌الله پرتو، ۱۳۹۱، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره ۳، تابستان ۹۱.

۱۴. چامسکی، نوام، ۱۳۹۰/۳/۳۰، «امنیت منطقه در گرو ایران هسته‌ای است»، تاریخ مراجعه ۱۰/۱۱/۱۳۹۰، ر.ک به: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/bodyView>
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا و ابراهیم رومینا، ۱۳۸۴، «تحول روابط ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۷۷.
۱۶. حافظیان، محمدرضا، ۱۳۹۰، «تناقضات سیاست خارجی ترکیه»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۰.
۱۷. حق‌پناه، جعفر، ۱۳۹۰، «هویت، قومیت و سیاست خاجی در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۸. حمیدی، محسن، ۱۳۹۰، «ناآرامی در بحرین؛ درخواست اصلاحات یا انقلاب؟»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۸۴.
۱۹. درخشه، جلال و مصطفی غفاری، ۱۳۹۱، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، *فصلنامه انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، شماره شانزدهم، زمستان ۹۱.
۲۰. دهشیار، حسین، ۱۳۸۹، «لیبی: قربانی امپریالیسم بشردوستانه»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال بیست و پنجم، شماره ۶-۵ (پیاپی ۲۸۲)، بهمن و اسفند ۸۹.
۲۱. دهشیری، محمدرضا و حمزه نجاتی آرانی، ۱۳۹۱، «چالش‌های مشترک فرهنگی مذهبی فراروی گفتمان بیداری اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۲۲. رضایی، محسن، ۱۳۸۴، *ایران منطقه‌ای*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چ دوم.
۲۳. سجادپور، سید محمد کاظم و مهدی دانش ایزدی و محمد ایرانی، ۱۳۹۰، «فلسطین در تکاپوی کشور شدن»، برگرفته از *دیپلماسی ایرانی* www.irdiplomacy.ir.
۲۴. سجادپور، سیدمحمد کاظم، ۱۳۹۰، «دو سخنرانی و سه چالش: اوباما و خاورمیانه»، *سایت دیپلماسی ایرانی*.
۲۵. شرف‌الدین، سیدحسین، ۱۳۸۴، «قدرت نرم آمریکا و ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره ۳۱.
۲۶. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۹، *نظریه‌های امنیت*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، تهران، ابرار معاصر، چ اول.
۲۷. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۸، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت.
۲۸. فضلی، محمدصادق، ۱۳۹۰، «آمریکا و سعودی در بن بست»، *مجله همشهری دیپلماتیک*، شماره ۷.
۲۹. قربانی شیخ‌نشین، ارسالان و جواد کارآزما، ۱۳۹۱، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت و تهدیدها»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.

تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن □ ۲۲۵

۳۰. قلوبی، جواد، ۱۳۸۷، «نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناسبات سیاسی ایران و مصر»، *فصلنامه مطالعات آفریقا*، شماره ۱۸.

۳۱. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۴، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، تهران، سازمان سمت.

۳۲. کریمایی، سمیه، ۱۳۸۷، *تخمین تابع تقاضای اکونورسیم*، پروژه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

۳۳. کیسینجر، هنری، ۱۳۹۰، «اوباما درک درستی از تحولات کشورهای عربی ندارد»، (۳۰ خرداد ۱۳۹۰)، کد خبر: ۲۳۴۸۲، رجوع کنید به: <http://www.dadna.ir/fa/news>

۳۴. لافه بر، والتز، ۱۳۷۶، *پنجاه سال جنگ سرد، از غائله آذربایجان تا سقوط گورباچف*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، نشر مرکز.

۳۵. لوئیس، برنارد، ۱۳۸۴، *مشکل از کجا آغاز شد؟ تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه*، ترجمه شهریار خواجهان، تهران، نشر اختران.

۳۶. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد، ۱۳۹۰، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی غرب آسیا»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان ۹۰.

۳۷. متقی، ابراهیم و حجت کاظمی، ۱۳۸۶، «سازمانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی» *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.

۳۸. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۵، «ریشه‌های داخلی بحران بحرین»، *روزنامه کیهان*، ۵ تیر.

۳۹. _____، ۱۳۸۸، «از خلیج فارس تا دریای خزر»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰.

۴۰. مظفری، فرشته، ۱۳۸۴، «جایگاه قدرت نرم در استراتژی ج.ا. ایران در عراق جدید»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۸، تابستان ۸۴.

۴۱. نادری نسب، پرویز، ۱۳۸۹، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.

۴۲. وثوقی، محمدباقر و علی کالیباد، ۱۳۸۸، «مسئله بحرین در منازعات قدرت‌های منطقه‌ای خلیج فارس در قرن دهم هجری/شانزدهم میلادی»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهراء، شماره ۴.

۴۳. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، «نمایندگی‌های سیاسی مقیم ایران» قابل دسترس در:

<http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/Tehran/fa/Mission>

۴۴. ولی‌پور زرومی، سید حسین، ۱۳۸۳، *گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

45. Choi, Ajin, 2003, "The power of democratic cooperation", *International security*, vol.26, No.summer.
46. Chulov, Martin, 2008, "Bahrain doctors juiled for treeting injured protests", *The Guardian*, available at:
<http://www.guardian.co.uk/world/2011/sep/29/Bahrain-protester-death-sentence>.
47. Ibish, Hussein, 2011, "The Bahrain Uprising: Towards confrontation or Accommodation?" *hennery Jason society*.
48. Katezman, Kenneth, 2011, "Bahrain: Reform, Security, and U.S. Policy" *congressional Research Service*. at: www.Crs.gov. 95- 1013-1-20.
49. Louër, Laurence, 2011, "A Failed Uprising In Bahrain", May 2011, *European Union Institute for SecurityStudies*, available at:
http://www.iss.europa.eu/uploads/media/A_failed_uprising_in_Bahrain.pdf
50. Menashri, David, 2007, "Iran, s Regional Policy: Between Radicalism and pragmatism", *Journal of International Affairs*, Vol.60, No.2, Spring/Summer.
51. National Security Council Report, 1952, "United States Objectives and Policies with Respect to the Arab States and Israel", Annex to NSC 129, 7 April.
52. Ottaway, Marina, 2001, "Bahrain: Between theunited states and Saudi Arabia", *Carnegie Endowment*, available at: <http://carneieendowment.Org/2011/04/04/bahrain-between-united-states-and-Saudi-Arabia>.
53. Singer, May and Aaron Wildawsky, 1996, "The real World order: zone of peace, zon of turmoil", *Chatam House*.
54. Teitelbaum, Jashua 2011, "SaudiArabia, Iran andAmerica in thewake of theArab Spring", *Begin-Sadat Center For Strategic Studies*, May 2011, available at:
<http://www.biu.ac.il/SOC/besa/docs/perspectives140.pdf>.
55. <http://www.thestate.com>, (2011/6/4) Gates Tries To Soothe Rattled by Unrest www.Alarabiya.net (2011/12/23) Mutlaq Bin Salem al- Azima: GCC Troops to Stay in Bahrain Till Warding off threats.
56. <http://arabnews.com> (2009/12/8).
57. <http://www.bahrainembassy.org> (2008/1/20), Bahrain & NATO Security Deal.
58. www.infoplease.com, (2012/1/22).